

روش‌های کلی دعوت پیامبر اسلام از دیدگاه قرآن

♦ فرزانه ثابت پور

۱۶۴ سوره‌ی آل عمران، خداوند بعثتش را مِنتی بزرگ بر انسان‌ها شمرده و در آیه‌ی ۴ سوره‌ی قلم، اخلاقش را بس عظیم دانسته است. در آیه‌ی ۱۲۸ سوره‌ی توبه، او را در مسیر هدایت آدمیان، دلسوز و حریص معرفی می‌فرماید. همان‌گونه که حق تعالی، او را ختم رسولان قرار داد، او تمام‌کننده‌ی رسالت‌هاست و کامل‌کننده‌ی فضیلت‌هاست. در سوره‌ی حجر، آیه‌ی ۷۲، خدای تعالی به جانش سوگند یاد می‌کند. و می‌فرماید: «لَعَمْرُكَ أَنَّهُمْ لَنفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ»: به جان تو سوگند که آنان در مستی خود سرگردان بودند. حضرت از حیث کمالات تبلیغی، جامع‌همه‌ی فضایل تبلیغی است. روحیه‌ی رحمت، صفت صفا، شمه‌ی شفقت، خصلت خلوص و... در وجود پربرکتش موج می‌زند. خاتمیت پیامبر اسلام (ص) در نبوت و رسالت، اتفافی و برحسب تضادف نبوده، بلکه با توجه به لزوم هدایت بشر در همه‌ی زمان‌ها، امری کاملاً حساب شده است. این به معنای کمال و جامعیت رسالت آن بزرگوار است. اگر در پی کامل‌ترین مجموعه‌ی شرایع آسمانی باشیم، آن را در رسالت پیامبر

در قرآن با چهره‌های متنوع اسوه‌هایی آشنا می‌شویم که هر یک دارای صفات و شرایط ویژه‌ای بوده‌اند و روش‌های متفاوت تربیتی و تبلیغی را آزموده و برای هدایت مخاطبان به کار بسته‌اند. قرآن گاهی اسوه‌ی تمام عیار و همه‌جانبه‌ای چون رسول خدا (ص) را معرفی و توصیف می‌کند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» [احزاب/۲۱]. گاهی نیز اسوه‌ای چند جانبه حاوی ویژگی‌های مطلوب در زندگی دنیوی و اخروی، مانند حضرت نوح و ابراهیم [ممتحنه/۴]، و زمانی اسوه‌ی یکجانبه یا یک بُعدی در زمینه‌ای خاص مانند: طالبوت، اسوه‌ی فرماندهی [بقره/۲۴۷] را به ما می‌شناساند. گاهی از میان مردان اسوه‌ای معرفی می‌کند، مانند: ادریس و داود [مریم/۵۶]، و زمانی از میان زنان برجسته و تاریخ‌ساز [آل عمران/۴۲] نمونه‌ای ارائه می‌دهد.

سخن از خاتم انبیا، سرور رسولان و نگین انگشتی رسالت است. او اسوه‌ی اسوه‌های قرآن بوده و پیامبران و مصلحان، جملگی چشم به رسالتش دوخته و امید به نجات جهانیان به دست او داشته‌اند. در آیه‌ی

خاتم خواهیم یافت. برای دست یافتن به بهترین منظومه‌ی اخلاقی و عملی، و سعادت انسان‌ها و شرفای بیماری‌های روحی، جز تمسک به اخلاق نبوی، راهی نداریم.

شیوه‌های تبلیغی پیامبر و روش دعوت ایشان، در آیات ۲۱۴ سوره‌ی شعراء (در خصوص خویشاوندان)، آیه‌ی ۴۴ سوره‌ی نمل (توضیح دادن برای مردم، آنچه به وی نازل شده است)، آیه‌ی ۱۵۷ سوره‌ی اعراف (برداشتن قید و بندها از دوش مردم) و آیه‌ی ۱۱۲ سوره‌ی هود (ایستادگی کردن، همان‌گونه که دستور یافته است) و... مشاهده می‌شود. آیاتی که دستورهای مستقیم وحی را در ارتباط با شیوه‌ی تبلیغ بازگو می‌کنند، در اکثر موارد با فعل «قُل» آغاز می‌شوند که برخی از آن‌ها عبارتند از: آیات ۱ و ۲ سوره‌ی کافرون (در مورد کافران)، آیه‌ی ۱۱۱ سوره‌ی بقره (دلیل آوردن) آیات ۷۱ و ۱۵۱ سوره‌ی انعام (در خصوص حرام نمودن؟! و سود رساندن پرستش خداوند)، آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی اعراف (عدالت‌ورزی خداوند) و آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی نور (پاکدامنی و چشم فرو بستن از نامحرم).

در یک تقسیم‌بندی، روش‌های کلی دعوت پیامبر را به عنوان راهبردها و راهکارهای اساسی، می‌توان به ده محور تقسیم کرد:

○ بیان صریح عقاید و مواضع: حضرت هیچ‌گاه از اظهار عقیده‌ی خویش در برابر مشرکان باز نماند.

چند محور عملی در این زمینه با توجه به قرآن عبارتند از:

– اعتقادات قلبی خود را در این آیات برای مشرکان ابراز کرد: آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی رعد (توکل کردن بر خداوند را ابراز می‌دارد)، آیه‌ی ۳۶ سوره‌ی رعد (مأمور پرستش خداوند بودن و شرک نورزیدن را بیان می‌دارد)، آیات ۴-۱ سوره‌ی کافرون (نپرستیدن خدایان، کافران را ابراز می‌نماید)، آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی زمر (بی‌آلایش نمودن دین برای خدا را اعلام می‌کند)، و آیه‌ی ۱۹۶ سوره‌ی زمر (شبهه‌بندگان بودن خدایان کافران را مطرح می‌کند و دوستداری شایستگان خداوند را بیان می‌دارد).

– سازش‌ناپذیری داشتن و عدم نرمش در اصول، از سوی حضرت که در این آیات آمده است: (آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی انعام) (مأمور بودن پیامبر نخستین اسلام آورنده)، و آیه‌ی ۹، سوره‌ی قلم (فرمان نبران دروغ‌پرداز، می‌خواهند نرمی کنی تا نرمی کنند)

– بیزاری و براءت از شرک، که تجلی آن را در آیات اعتقادی صریح که از زبان پیامبر توسط جملات سوره‌ی «کافرون» بیان شده است، می‌توان دید. با نزدیک شدن به پایان سوره، لحن آن شدیدتر می‌شود و با استدلال خدشه‌ناپذیر عقلی و فطری، از اعتقاد شرک‌آلود مخاطبان لجوج بیزاری می‌جوید که در این آیات مشاهده می‌شود: آیه‌ی ۱۹، سوره‌ی انعام (برتری خداوند و هشدار لجوجان و بیزاری از شرک)، آیه‌ی ۲، سوره‌ی

توبه (عدم تعهد خداوند و پیامبرش در برابر مشرکان و بیزاری از آن‌ها)، آیات ۲۱۴ تا ۲۱۶ سوره‌ی شعراء هشدار به خویشان پیامبر و گستراندن بال برای مؤمنانی که پیامبر را پیروی می‌کنند)، آیه‌ی ۹۱ سوره‌ی انعام (به بازی سرگرم شدن باطلان در ژرفای باطل خود)، و آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی هود (بیزاری جستن از نسبت‌های ناروا).

○ دعوت بر اساس علم و آگاهی و بصیرت: در دعوت پیامبران الهی، از جهل و غفلت و عوام‌فریبی اثری نیست و هرچه هست، بر پایه‌ی آگاهی، علم و بصیرت باطنی بنا شده است. در آیه‌ی ۱۰۸ سوره‌ی یوسف می‌فرماید: «این است راه من، و من پیروانم را با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنم.» پایه‌های دعوت در این محور از دیدگاه قرآن عبارتند از:

– استدلال از طریق بیدار کردن فطرت پاک آدمی و منطق. [ابراهیم/ ۱۰].

– تردید نداشتن در وجود آفریننده‌ی آسمان‌ها و زمین که در این آیات مشاهده می‌شود: آیه‌ی ۷۳ سوره‌ی حج (از استواری و متقن بودن نظام آسمان و زمین و تباهی هستی در صورت وجود خدایان متعدد) آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی انبیاء (اگر در آسمان‌ها و زمین خدایانی جز الله بودند، جهان به تباهی کشیده می‌شد)، آیه‌ی ۴۲ سوره‌ی اسرا (اگر خدایان دیگری می‌بودند، در صدد جستن راهی به سوی عرش الهی برمی‌آمدند)، آیه‌ی ۷۶ سوره‌ی مائده (نپرستیدن غیر خدا

که سود و زیانی برای انسان ندارد) آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی انعام (نپذیرفتن سرپرستی جز خدا)، آیه‌ی ۶۴ سوره‌ی نمل (دلیل آوردن را برای معبودی جز اله می‌طلبید)، و آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی یونس (بگو: آیا از شریکان شما کسی هست که به سوی حق رهبری کند؟).

- دعوت به بررسی بی‌طرفانه‌ی موضوعات. دشمنان انبیا، به سبب نداشتن پشتوانه‌ی استدلالی استوار هنگام مواجهه با داعیان حق، به مجادله متوسل می‌شوند. اما صاحبان دعوت‌های الهی، مخاطبان را به تفکر و بررسی بی‌طرفانه و علمی موضوع فرامی‌خوانند. نمونه‌ی این برخورد را در آیات تحدی قرآن که از زبان پیامبر به مخالفان ابلاغ شده است، در آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی بقره، و آیه‌ی ۴۶ سوره‌ی سبأ می‌توان دید.

- تردید افکنی در میان مخالفان. پیامبر گرامی اسلام در مواضع متعدد این شیوه را تجربه کرده و با القای شک و تردید، عقاید مخالفان را مورد هجوم قرار داده است: آیه‌ی سبأ سوره‌ی ۲۴، و آیه‌ی ۱۴۰ سوره‌ی بقره.

- دعوت به مشترکات. پیامبر اعظم از هر راه ممکن تلاش می‌کرد، فاصله‌ی میان دل‌ها و عقل‌ها را به حداقل برساند. ایشان در مواجهه با یهود و نصارا و حتی مشرکان، بر عقاید صحیح و قابل قبولشان تأکید می‌کرد. در سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۶۴ می‌فرماید: «بگو ای اهل کتاب

بیاید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است، بایستیم...» در سوره‌ی عنکبوت آیه‌ی ۴۶ نیز می‌فرماید: «با اهل کتاب جز با شیوه‌ای که بهتر است، مجادله نکنید؛ مگر با کسانی از آنان که ستم کردند...»

○ **ابتکار عمل در دعوت:** از جمله راهکارهای اساسی تبلیغ پیامبر اعظم (ص)، فعالیت پیگیر و ابتکار عمل مداوم با بهره‌گیری از روحیه‌ی شاد و فعال و با روی گشاده و پذیرای همگان، در امر تبلیغ با وسعت‌های متفاوت است. آیه‌ی ۶ سوره‌ی کهف، آیات ۱ و ۲ سوره‌ی طه، آیه‌ی ۱۰۷ سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۶ سوره‌ی شوری، آیات ۲۱ و ۲۲ سوره‌ی غاشیه، و آیه‌ی ۵۶ سوره‌ی قصص، پیامبر را از تلاش بیش از حد وظیفه و توانش منع می‌کنند. در باب ابتکار عمل تبلیغی پیامبر، شیوه‌های عملی و جزئی متعددی وجود دارند که برخی عبارتند از:

- ارتباط‌ها و تماس‌های فردی را به منظور دعوت و به عنوان فرصت‌های تبلیغی، غنیمت می‌شمرد.

- مراجعه به قبایل و تیره‌های مختلف عرب و فراهوانی آنان به آئین اسلام، با منطق شیوا و منش چشمگیر و جذاب.

- استقبال و پذیرایی صمیمانه از هیأت‌هایی که از مناطق گوناگون، برای شناخت عقاید پیامبر به حضور آن حضرت می‌رسیدند.

- توجه به طبقات مختلف جامعه، به ویژه ضعفا و جوانان.

- اعزام مبلغ به شهرها و قبایل. - ارسال نامه‌ی دعوت به رؤسا و پادشاهان.

○ **پرهیز شخص پیامبر از کذب و باطل و پای‌بندی به حقیقت:** این راهبرد را در جلوه‌های گوناگون و شیوه‌های زیر مشاهده می‌کنیم:

- تعیین محدوده‌ی وظایف و اختیارات خود و پیشگیری از خلط حق و باطل و آمیختن حقیقت و مصلحت. بر این اساس، پیامبر اعظم به عنوان بالاترین اسوه‌ی الهی از جانب خداوند مأموریت می‌یابد، خود را معرفی کند و در آیه‌ی ۶ سوره‌ی فُصَلتْ و آیه‌ی ۹۳ سوره‌ی اسراء، بشر بودن خود را بیان می‌نماید. این آیات نیز گواه همین مدعا هستند: آیات ۲۳-۲۰ سوره‌ی جن، آیه‌ی ۲۰۳ سوره‌ی اعراف، آیات ۹۲-۹۱ سوره‌ی نمل، آیه‌ی ۵۰ سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۴۹ سوره‌ی حج.

- پرهیز از وعده‌های بی‌اساس. - مبارزه با عوامفریبی و سنت‌های غلط و تأیید و تصدیق رسالت‌های پیشین شامل: (انعام/۱۶۱، آل عمران/۸۱ و ۹۵، و مائده/۴۸).

○ **بشارت و انذار:** خداوند وجود مبارک پیامبر اعظم را نشانه‌ی قیام قیامت، مژده‌دهنده‌ی بهشت و هشداردهنده به عذاب (نهج البلاغه / خطبه‌ی ۱۶۰) قرار داد. برخی از آیاتی که پیامبر را به عنوان مژده‌دهنده و بیم‌دهنده برای مردم بیان می‌کنند، عبارتند از: آیه‌ی ۹ سوره‌ی تغابن، آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۱۳۳ سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۶۳ سوره‌ی

مریم و آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی نور (بشارت و مژده به مشرکان برای پذیرش اسلام)، آیه‌ی ۷۲ سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۶۹ سوره‌ی یونس و آیه‌ی ۶۵ سوره‌ی انعام. (انذار و هشدار به مشرکان).

○ مرحله‌بندی تبلیغ و بهره‌برداری از فرصت‌ها و موقعیت‌های پیش‌آمده (از کوچک‌ترین فرصت، بزرگ‌ترین سود را می‌برد):

- زمان‌بندی مراحل مختلف دعوت، اعم از مخفی، انذار عشیره، آشکار و همگانی (حجر/ ۹۵-۹۴ و شعراء/ ۲۱۴).

- شروع دعوت از خانواده و نزدیکان (تحریم/ ۶).

- گسترش دعوت براساس شرایط.

- برپا کردن پایگاه‌های تبلیغی.

- استفاده از ابتکار هجرت که به کمک آن به همه‌ی مبلغان آموزش داد، چگونه در شرایط فشار و اختناق راهی به چشم‌اندازهای دعوت آزادانه بگشایند.

- مراجعه به قبایل گوناگون در موسم حج و درخواست از آنان برای گرویدن به حق و نیز گرفتن بیعت از یاران.

○ مدارا و نرمش در برخورد و معاشرت: آیات ۲۱۴ و ۲۱۵ سوره‌ی شعراء، استفاده از دو شیوه‌ی متقابل سازش‌ناپذیری و نرمش و مدارا را بیان می‌کنند؛ از جمله:

- پاسخ آرام به شبهه‌ها و تهمت‌ها.
- آسان‌گیری در مسائل شخصی.
- ارتباط صمیمی با همگان.
- تحمل ایذای مشرکان و حتی

مسلمانان (حجر/ ۹۷، توبه/ ۶۱ و احزاب/ ۵۷).

○ ابراز محبت و جلب اعتماد: زیرا می‌دانست میوه‌ی محبت سریع‌الوصول‌تر و سهل‌الوصول‌تر از هر میوه‌ای است (انبیاء/ ۱۰۷، توبه/ ۱۲۸ و کهف/ ۶) راه‌های ایشان برای جلب اعتماد عبارت بودند از:

- بخشش و دادن هدیه به افراد و قبایل.

- خوش‌بینی با مؤمنان (حجرات/ ۱۲).

- عفو و گذشت که شادمانی و انبساط روحی طولانی‌تری حاصل می‌کند (آل‌عمران/ ۱۵۹).

- مشورت با مؤمنان (آل‌عمران/ ۱۵۹).

- ترویج فرهنگ اخوت؛ زیرا جامعه‌ی اسلامی مانند پیکری واحد، نیازمند پیوند و همبستگی احزاب و عناصر خود است.

- مؤاسات و کمک به هر نحو ممکن؛ زیرا هر کس از او حاجتی خواست، از محضر او بازنگشت، مگر با حاجت برآورده شده. او حتی در حال نماز، حاجت‌نیازمندان را در نظر داشت و نماز را کوتاه می‌کرد و چون نیاز فرد را برآورده می‌کرد، به نماز باز می‌گشت.

○ هماهنگی با مخاطبان در معیشت: برای دلگرمی دیگران، و اسوه‌ی تمام عیار بودن، همانند سایر انسان‌ها زندگی می‌کرد و از هر گونه تعین و تشخیص که موجب فاصله گرفتن مخاطبان از او شود خودداری می‌کرد؛ از جمله:

- ساده‌زیستی؛ روی حصیر

استراحت می‌کرد و خود شیر بز خانه را می‌دوشید و...

- پرهیز از تکلف و تشریفات، برای هماهنگی بیش‌تر با توده‌ی مردمی که مخاطب دعوت الهی انبیا هستند.

○ ادب و احترام به مردم: در سوره‌ی ۸۳ سوره‌ی بقره می‌فرماید، با مردم به زبان خوش سخن بگویید. یا در آیه‌ی ۴۴ سوره‌ی طه، به موسی امر می‌کند، به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته و با او سخن نرم بگویید. پیامبر اعظم به کودکان و همه‌ی اقشار و طبقات مردم احترام می‌گذاشت، زیرا در منطق ایشان، هر کسی دارای حرمت و ارزش انسانی است و نمی‌توان به دلیل بی‌ایمانی، کسی را مورد اهانت قرار داد. اما دلیل احترام پیامبر، علاوه بر این، ایجاد زمینه برای نفوذ در دل مخاطب و ابلاغ اصول ایمانی به او بود.

با توجه به امکان دستیابی به تاریخ و سیره‌ی درخشان نبی اعظم اسلامی از طریق منابع گوناگون، شیوه‌های تبلیغی آن حضرت بیش از سایر پیامبران قابل احصا و استقصاست.

منابع:

۱. عباس مقدم، مصطفی. اسوه‌های قرآنی. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. قم. چاپ اول. ۱۳۷۹.
۲. ابن هشام. السیره النبویه. ج ۱. دارالمفرقه. بیروت. بی تا.
۳. مطهری، مرتضی. سیری در سیره‌ی نبوی- انتشارات صدرا. تهران. چاپ سوم. ۱۳۶۶.
۴. دلشاد، مصطفی. سیره‌ی نبوی. دفتر دوم. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران. ۱۳۷۲.
۵. دیلمی، احمد. اخلاق اسلامی. دفتر نشر و پخش معارف. چاپ سوم. ۱۳۸۰.